



رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده با سبک‌های هویت نوجوانان تیزهوش و عادی:

نقش تعدیل‌کنندگی جنس و نوع مدرسه

فاطمه سادات بیطرفان^۱

دکتر فریبرز صدیقی ارفعی^۲

دکتر عباس حبیب زاده^۳

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و سبک‌های هویت نوجوانان به همراه بررسی نقش تعدیل‌کنندگی جنس و نوع مدرسه، یا به عبارتی هوش نوجوانان (چرا که دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان غالباً از هوش بالاتری برخوردارند)، در این رابطه است.

روش: روش این پژوهش علی-مقایسه‌ای و جامعه‌مورد بررسی شامل کلیه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی پایه‌ی تحصیلی چهارم مقطع متوسطه ناحیه ۴ شهر قم است (۱۰۲۲ نفر) که تعداد ۳۲۴ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه پیوند والدینی (PBI) در دو فرم پدر و مادر و نیز پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI) می‌باشد.

یافته‌ها: برای تحلیل داده‌ها از یک مدل تحلیل واریانس چندمتغیری عاملی چهار راهه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بر پایه سبک فرزندپروری پدر و مادر، در هویت و تعهد هویتی نوجوانان تفاوت معناداری وجود دارد. در خصوص نقش تعدیل‌کنندگی جنس و نوع مدرسه نیز نتایج نشان داد که اثر متقابل جنس و نوع مدرسه با سبک فرزندپروری پدر در هیچ یک از متغیرها معنادار نیست؛ در حالی که اثر متقابل جنس با سبک فرزندپروری مادر برای سبک هویت اطلاعاتی و اثر متقابل نوع مدرسه با سبک فرزندپروری مادر برای هویت اطلاعاتی و هویت سردرگم-اجتنابی معنادار است.

نتیجه‌گیری: این یافته‌ها، بیانگر نقش محوری والدین در دستیابی نوجوان به هویت موفق و اجتناب آن‌ها از سردرگمی هویت می‌باشد؛ در نتیجه این تحقیقات است که والدین، به ویژه مادر، نسبت به تأثیر رفتارها و برخوردشان بر شکل‌گیری هویت فرزندانشان آگاه شده و از این طریق به ایجاد بستر مناسب برای رشد هویت مناسب نوجوانان کمک می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری ادراک‌شده، سبک‌های هویت، تعهد هویت، جنسیت، نوع مدرسه

۱. نویسنده رابط: کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه کاشان (fatemehbitarafan@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه کاشان

۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم



مقدمه

نظریه‌های زیادی بر روابط والدین-نوجوان تأکید کرده‌اند و معتقدند که والدین در فرآیند شکل‌گیری هویت نقش بسزایی دارند. به عنوان مثال، اریکسون در دیدگاه روانی-اجتماعی خود، بر نقش مهم افراد مجاور نوجوان در شناخت، حمایت و کمک به شکل-دهی هویت نوجوان تأکید می‌کند (بیرز و گوسنز^۱، ۲۰۰۸)؛ به عقیده وی، شکل‌گیری هویت در چارچوب تجربیات بین‌شخصی و بیش‌تر در زمینه خانواده رخ می‌دهد (اریکسون، ۱۹۶۸؛ به نقل از سندی، صالحی، کافی و رضایی، ۱۳۹۱). پس از ارائه نظریه اریکسون در مورد هویت، پژوهش‌های مختلفی به بررسی تحول هویت پرداختند.

نظریه‌های روان‌شناختی بر این مسئله تأکید می‌کنند که نوجوانان در دوران نوجوانی به دنبال تغییر روابطشان با والدین و ایجاد هویت شخصی خودشان هستند. در این دوران، نوجوان سعی می‌کند تا خود را به عنوان یک عامل فعال معرفی کند که مسئولیت شکست‌ها و پیروزی‌های خود را می‌پذیرد و به ارزشیابی انتخاب‌های خود می‌پردازد؛ در این میان، حمایت والدین و به ویژه شیوه فرزندپروری آنان می‌تواند نقشی مهم و بنیادی در فرآیند تشکیل هویت مستقل نوجوانان ایفا نماید؛ چرا که خانواده به مثابه یک آزمایشگاه مهم برای تصمیم‌گیری نوجوان است. یک خانواده با روابط درونی درست به نوجوان خود اجازه می‌دهد تا ضمن مشورت با والدین، آزادانه و بر حسب آگاهی و مصلحت تصمیم بگیرد (پلرونه، ۲۰۱۵).

طبق تعریف فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی آمریکا (۱۳۹۱، ج ۲: ۱۲۴۲)، سبک‌های فرزندپروری عبارت است از: «تمامی اعمالی که مرتبط با پرورش فرزند باشد». محققین، سبک‌های فرزندپروری (روش‌هایی که در آن والدین با فرزندانشان تعامل می‌کنند) را تشریح کرده‌اند که به صورت طبقه‌بندی‌هایی است که بر حسب ابعاد گرمای عاطفی در برابر سردی و کنترل (کنترل شدید در مقابل کنترل ضعیف)، با یکدیگر تفاوت دارند. احساس و ادراک فرزندان نسبت به رفتارها و گرایش‌های والدین نیز، سبک‌های فرزندپروری ادراک شده نامیده می‌شوند. به عقیده بامریند (۱۹۹۱) والدین مستبد یا خودکامه^۲ مانند یک دیکتاتور عمل می‌کنند و فرزندان باید از دستورات آنان اطاعت کنند و فرزندان که در این نوع خانواده‌ها رشد می‌کنند، تمایل به همکاری ندارند، از افسردگی رنج می‌برند، عزت نفس ضعیفی دارند و مطیع و دنباله‌رو هستند. والدین سهل‌گیر^۳ به نوجوانان خود استقلال می‌دهند و امکان تصمیم‌گیری و کنترل اعمال و رفتار را به خود آنان واگذار می‌کنند؛ با این وجود، فرزندان والدین سهل‌گیر، از نظر مهارت‌های اجتماعی، ضعیف هستند و اعتماد به نفس کافی ندارند؛ لازم به ذکر است که این والدین بی‌احساس و بی‌توجه نیستند، بلکه صرفاً معتقدند که نوجوانان باید مسئول زندگی خودشان باشند. فرزندان خانواده‌های بی‌توجه (سرد و رهاکننده) نیز، تمایل به بزهکاری داشته و از نظر تحصیلی، شناختی و ذهنی عملکردی ضعیف از خود نشان می‌دهند. اما، والدین قاطع^۴ متمایل اند که مهارت‌های مناسب را در فرزندان خود پرورش دهند و در عین حالی که فرزندان خود را کنترل می‌کنند، زمینه استقلال آنان را نیز فراهم سازند و نیازهای آنان را به شکلی معقول و منطقی برطرف نمایند؛ بنابراین، هر کدام از این شیوه‌های خاص تربیتی، می‌تواند در شکل‌گیری هویت فرد نقشی اساسی داشته باشد. پژوهش‌های زیادی، دیدگاه اریکسون در زمینه تأثیر خانواده و والدین در شکل‌گیری هویت نوجوان را تأیید می‌کنند. به عنوان نمونه، نتایج یک پژوهش حاکی از رابطه مستقیم و معنادار بین طرد مادر و هویت سردرگم-اجتنابی و هویت اطلاعاتی است؛ پذیرش مادر نیز با هویت اطلاعاتی رابطه مستقیم و معنی‌داری نشان داده است (صادقی، ۱۳۹۲). نتایج پژوهش دیگری نیز، بیانگر این است که فرزندان نوجوان والدینی که شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه دارند، بیشتر

1. Beyers and Goossense
2. Authoritarian style
3. Permissive style
4. Authoritative style



دارای تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی و هنجاری هستند، در حالی که فرزندان نوجوان والدینی که شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند، بیشتر از سبک هویتی سردرگم-اجتنابی برخوردارند (باباپور، اسماعیلی انامق، غلام زاده و محمدپور، ۱۳۹۱). اریکسون معتقد بود که نوجوانی فاصله بین کودکی و بزرگسالی و نوعی وقفه روان‌شناختی ضروری است که فرصت و انرژی لازم را به فرد می‌دهد تا نقش‌های مختلف را ایفا کرده و با خودانگاره‌های متفاوت زندگی کند. افرادی که این مرحله را با احساس هویت خود نیرومند پشت سر می‌گذارند، با اطمینان و اعتماد کافی به بزرگسالی می‌رسند؛ اما آن‌هایی که نمی‌توانند به هویت منسجم دست یابند، دچار بحران هویت شده و سردرگمی نقش را آشکار خواهند ساخت (شولتز و شولتز^۱، ۱۳۹۲). شواهد تجربی نشان می‌دهد که شکل‌گیری هویت در اواسط نوجوانی آغاز شده و تا اواخر نوجوانی و جوانی و قبل از شروع فرآیند تثبیت در بزرگسالی ادامه می‌یابد (کروگر^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

لذا با توجه به مطالب ذکر شده، هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و سبک‌های هویت در جامعه نوجوانانی است که در سال آخر دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) مشغول به تحصیل می‌باشند؛ یعنی درست در اواخر نوجوانی و زمانی که مطابق با نظریات ارائه شده در این زمینه، دوره‌ای است که فراوانی و شدت بحران هویت بیشتر است؛ لذا، اهمیت این دوره بیش از پیش نمایان می‌گردد. از دیگر نکات بارز پژوهش حاضر، که آن را از دیگر پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است متمایز می‌کند، بررسی نقش تعدیل‌کنندگی جنس و نوع مدرسه، یا به عبارتی هوش نوجوانان (چرا که دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان غالباً از هوش بالاتری برخوردارند)، در رابطه مذکور است. مسئله اساسی دیگر، تفاوت سبک فرزندپروری والدین از نوع سبک و شیوه‌ای است که فرزندان، به ویژه در سنین نوجوانی، ادراک می‌کنند؛ به عنوان مثال ممکن است پدر و مادر وضعیت فرزندپروری خود را در سطح بهینه و مطلوب گزارش کنند، اما نوجوان خانواده، پدر یا مادر خود را مسامحه‌کار یا مستبد ادراک کند؛ از این رو در این پژوهش، علاوه بر بررسی سبک مادر و پدر در کنار هم، برای تعیین نوع و شیوه فرزندپروری والدین، از گزارش‌های نوجوانان آنان استفاده شده است.

روش

الف) شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

طرح پژوهش حاضر، از نوع توصیفی و روش پژوهش نیز از نوع همبستگی و علی-مقایسه‌ای است. جامعه مورد بررسی در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) پایه تحصیلی چهارم مقطع متوسطه ناحیه ۴ شهر قم است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های تیزهوشان و عادی می‌باشند؛ که تعداد آن‌ها برابر است با ۱۰۲۲ نفر (۱۶۲ نفر در مدارس تیزهوشان و ۸۶۰ نفر در مدارس عادی)؛ تعداد دختران و پسرانی که در مدارس تیزهوشان مشغول به تحصیل می‌باشند به ترتیب برابر ۸۰ و ۸۲ نفر و تعداد دختران و پسرانی که در مدارس عادی دولتی مشغول به تحصیل می‌باشند به ترتیب برابر ۴۸۳ و ۳۷۷ نفر است. لازم به ذکر است که این دانش‌آموزان در دو رشته تجربی و ریاضی مشغول به تحصیل هستند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان^۳، برابر ۲۷۸ نفر برآورد شد؛ اما به دلیل تعداد محدود دانش‌آموزان تیزهوش، معادل تعداد دانش‌آموزان تیزهوش، که ۱۶۲ نفر می‌باشند، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی از دانش‌آموزان عادی نیز ۱۶۲ نفر انتخاب شد و تعداد آن‌ها هم‌تراز گردید؛ لذا، تعداد کل نمونه بررسی شده برابر ۳۲۴ نفر در نظر گرفته شد که از این تعداد، ۱۶۴ نفر را دانش‌آموزان پسر و ۱۶۰ نفر را دانش‌آموزان دختر تشکیل می‌دهند.

- 1.Schultz
- 2.Kroger
- 3.Krejcie and Morgan



ب) روش اجرا و تحلیل

برای اجرای پژوهش، در ابتدا به اداره آموزش و پرورش ناحیه ۴ استان قم مراجعه و هماهنگی های لازم انجام گرفت؛ پس از آن از طریق نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، به طور تصادفی، به مدرسه ها مراجعه و پرسشنامه ها به صورت گروهی اجرا گردید. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه ها و با توجه به همبسته بودن ابعاد سازگاری باهم، از یک مدل تحلیل واریانس چندمتغیری عاملی^۱ چهار راهه (جنس، نوع مدرسه، سبک فرزندپروری پدر، سبک فرزندپروری مادر) استفاده شد. در این مدل دو اثر اصلی (سبک پدر، سبک مادر) و چهار اثر متقابل (جنس × سبک پدر؛ جنس × سبک مادر؛ نوع مدرسه × سبک پدر؛ نوع مدرسه × سبک مادر) مورد آزمون قرار گرفت. همچنین در صورت معناداری یکی از اثرات اصلی یا متقابل در مدل، از آزمون تک متغیری برای تعیین ماهیت معناداری استفاده شده است. در بخش توصیفی نیز، از میانگین و انحراف معیار استفاده شد.

ج) ابزار سنجش

۱. پرسشنامه سبک های هویت: پرسشنامه سبک های هویت^۲ را اولین بار برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه گیری فرآیندهای شناختی- اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می کنند، طراحی کرد. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال است که چهار زیرمقیاس سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگم- اجتنابی و تعهد هویتی را ارزیابی می کند. در این پرسشنامه، ۱۱ سؤال به سبک هویت اطلاعاتی، ۹ سؤال به سبک هویت هنجاری، ۱۰ سؤال به سبک هویت سردرگم- اجتنابی و ۱۰ سؤال نیز به تعهد هویت اختصاص یافته است، که پاسخ هر سؤال بر روی یک طیف پنج درجه ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) مشخص می شود. برای به دست آوردن نمره هر زیرمقیاس باید امتیاز تعلق گرفته به سؤالات آن زیرمقیاس را با هم جمع کرد. لازم به ذکر است که برخی گویه ها به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در پژوهش (کروسیتی^۳ و همکاران، ۲۰۰۸) ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم- اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰.۶۴، ۰.۵۸، ۰.۷۵ و ۰.۷۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز، ضریب اعتبار^۴ خرده مقیاس های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم- اجتنابی و تعهد هویت به روش آلفا به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۷۷، ۰/۸۱ و ۰/۷۱ محاسبه شد.

۲. پرسشنامه پیوند والدینی (PBI): پرسشنامه پیوند والدینی^۵ شامل ۲۵ سؤال است و نخستین بار به وسیله پارکر^۶، توپلینگ^۷ و براون^۸ (۱۹۷۹)، بر اساس نظریه دلبستگی بالبی، معرفی شد. این ابزار گذشته نگر است و برای نوجوانان بالای ۱۶ سال سال کاربرد دارد؛ فرد باید سبک فرزندپروری والدینش (پدر و مادر) را که طی ۱۶ سال اول زندگی ادراک کرده است، به خاطر آورد و میزان موافقت خود را با گویه های پرسشنامه با استفاده از یک مقیاس لیکرت ۴ نقطه ای و از طریق نمره دادن به گویه ها (از ۰ تا ۳) نشان دهد. این ابزار دارای دو خرده مقیاس مراقبت^۹ و حمایت کنندگی^{۱۰} است؛ در این پرسشنامه مراقبت به عنوان

۱- طبق دستورالعمل (سرمد، ۱۳۷۸)، زمانی که متغیر مستقل و متغیر تعدیل کننده، هر دو مقوله ای باشند، از تحلیل عاملی برای تحلیل داده ها استفاده می شود.

- 1- Identity Style Inventory (ISI)
- 2- Crocetti
- 3- reliability
- 4- Parental Bonding Instrument
- 5- Parker
- 6- Tupling
- 7- Brown
- 8- Care
- 9- Overprotection



بیان عواطف و محافظت بیش از حد به معنای ترغیب یا سرکوب کشف محیط توسط فرزندان اطلاق می‌شود. از ترکیب دو بُعد مراقبت زیاد و کنترل زیاد، والدگری «مهربان محدودکننده»، از ترکیب کنترل کم و مراقبت زیاد «والدگری بهینه» یا «پدر و مادری کردن مطلوب»، که مطلوب‌ترین ترکیب است، از ترکیب دو بُعد مراقبت پایین و کنترل پایین «والدگری مسامحه‌کارانه» و همچنین از ترکیب مراقبت پایین و کنترل زیاد، «والدگری کنترل بی‌عاطفه» یا «محدودیت غیرمهرآمیز» حاصل می‌گردد که نامطلوب‌ترین ترکیب است. نتایج پژوهش (بهزادی، سروقد و سامانی، ۱۳۹۰) از وضعیت محتوایی چهار عاملی حمایت کرده و اعتبار و پایایی مطلوبی (دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۵) را برای این پرسشنامه گزارش کرده است. پایایی این آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ در بررسی اولیه، برای مراقبت، ۰/۹۳-۰/۹۲ و برای مراقبت‌کنندگی بیش از حد، ۰/۸۷-۰/۶۶ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز، ضریب اعتبار برای خرده مقیاس‌های مراقبت مادر، مراقبت پدر، حمایت افراطی مادر و حمایت افراطی پدر با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۳، ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۴ محاسبه شد.

یافته‌ها

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و تعداد افراد در سطوح اثرهای اصلی موجود در مدل تحلیل واریانس چندمتغیری هویت

متغیر	سطوح	تعداد	اطلاعاتی		هنجاری		سردرگم		تعهد	
			SD	M	SD	M	SD	M	SD	M
جنس	دختر	۱۶۰	۶/۲۰	۳۴/۶۱	۴/۷۳	۳۳/۱۸	۶/۲۲	۲۴/۶۹	۵/۷۵	۳۵/۳۱
	پسر	۱۶۴	۶/۷۱	۳۴/۳۹	۵/۶۲	۳۱/۵۶	۶/۸۵	۲۷/۴۲	۵/۹۹	۳۳/۸۸
نوع	عادی	۱۶۲	۶/۲۱	۳۴/۴۴	۵/۳۰	۳۲/۲۶	۶/۵۴	۲۷/۲۳	۶/۱۱	۳۳/۹۹
	تیزهوشان	۱۶۲	۶/۷۱	۳۴/۵۵	۵/۲۲	۳۲/۴۶	۶/۶۴	۲۴/۹۱	۵/۶۶	۳۵/۱۹
سبک	مهربان	۴۶	۶/۳۱	۳۴/۳۹	۴/۵۷	۳۲/۹۱	۶/۳۱	۲۴/۹۱	۵/۵۷	۳۶/۲۶
	عاطفه بدون کنترل	۱۰۷	۶/۴۳	۳۲/۴۰	۵/۰۷	۲۹/۹۶	۷/۰۶	۲۶/۹۹	۶/۰۲	۳۲/۳۳
	مطلوب	۹۹	۶/۲۵	۳۶/۳۰	۴/۷۴	۳۴/۴۰	۷/۱۰	۲۵/۲۱	۵/۱۴	۳۶/۱۴
	مسامحه‌کارانه	۷۲	۶/۰۷	۳۵/۱۹	۵/۳۰	۳۲/۷۵	۵/۵۰	۲۶/۶۳	۵/۹۷	۳۴/۷۵
سبک	مهربان	۵۳	۶/۴۵	۳۳/۸۵	۴/۲۲	۳۳/۰۲	۷/۳۵	۲۵/۶۶	۵/۶۱	۳۵/۴۰
	عاطفه بدون کنترل	۹۵	۶/۴۸	۳۲/۷۶	۵/۱۲	۲۹/۶۸	۶/۸۶	۲۷/۲۵	۶/۱۸	۳۱/۹۷
	مطلوب	۱۰۳	۶/۵۳	۳۶/۳۴	۴/۶۱	۳۴/۳۱	۶/۲۷	۲۵/۰۴	۴/۷۰	۳۶/۸۳
	مسامحه‌کارانه	۷۳	۵/۶۹	۳۴/۶۳	۵/۶۰	۳۲/۶۰	۶/۳۵	۲۶/۲۹	۵/۹۸	۳۴/۲۵

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی سبک‌ها و تعهد هویت بر پایه جنس، نوع مدرسه و سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر ذکر شده است. هم در مورد سبک فرزندپروری پدر و هم در مورد سبک فرزندپروری مادر بالاترین میانگین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری مربوط به سبک مطلوب و پایین‌ترین میانگین مربوط به سبک عاطفه بدون کنترل است؛ اما در مورد هویت



سردرگم- اجتنابی وضعیت کاملاً برعکس است، به نحوی که بالاترین میانگین مربوط به عاطفه بدون کنترل و پایین‌ترین آن مربوط به سبک مطلوب است، هم برای پدر و هم برای مادر. در مورد تعهد هویت برای سبک پدر همان الگوی سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری مجدداً خود را نشان می‌دهد به نحوی که بالاترین میانگین تعهد مربوط به سبک مطلوب و پایین‌ترین آن مربوط به سبک عاطفه بدون کنترل است. وضعیت این سبک هویت بر پایه سبک فرزندپروری مادر به این شکل است که بالاترین میانگین مربوط به سبک مهربان محدودکننده و پایین‌ترین میانگین مربوط به سبک عاطفه بدون کنترل است. اما برای پاسخ به این سؤال که آیا تفاوت‌های مذکور در میانگین‌ها معنادار است یا خیر، باید از آزمون‌های مناسب میانگین‌ها (چندمتغیری، تک متغیری، و در صورت لزوم پیگیری) استفاده شود.

جدول ۲: خلاصه آزمون‌های چندمتغیری برای ابعاد هویت و تعهد هویت

منبع تغییرات	آزمون	مقدار آماره	F	df مفروض	df خطا	سطح معناداری
سبک مادر	اثر پیلاپی	۰/۰۵۹	۱/۵۱۰	۱۲	۹۰۶	۰/۱۱۴
	لامبدای ویلکز	۰/۹۴۲	۱/۵۱۱	۱۲	۷۹۴/۰۱۷	۰/۱۱۴
	اثر هوتلینگ	۰/۰۶۱	۱/۵۱۰	۱۲	۸۹۶	۰/۱۱۴
	بزرگترین ریشه روی	۰/۰۴۱	۳/۰۶۲	۴	۳۰۲	۰/۰۱۷
سبک پدر	اثر پیلاپی	۰/۰۶۱	۱/۵۷۲	۱۲	۹۰۶	۰/۰۹۴
	لامبدای ویلکز	۰/۹۳۹	۱/۵۸۲	۱۲	۷۹۴/۰۱۷	۰/۰۹۲
	اثر هوتلینگ	۰/۰۶۴	۱/۵۸۹	۱۲	۸۹۶	۰/۰۸۹
	بزرگترین ریشه روی	۰/۰۵۲	۳/۹۱۹	۴	۳۰۲	۰/۰۰۴
سبک مادر × جنس	اثر پیلاپی	۰/۰۴۷	۱/۲۰۱	۱۲	۹۰۶	۰/۲۷۷
	لامبدای ویلکز	۰/۹۵۳	۱/۲۰۳	۱۲	۷۹۴/۰۱۷	۰/۲۷۶
	اثر هوتلینگ	۰/۰۴۸	۱/۲۰۳	۱۲	۸۹۶	۰/۲۷۶
	بزرگترین ریشه روی	۰/۰۳۵	۲/۶۴۰	۴	۳۰۲	۰/۰۳۴
سبک پدر × جنس	اثر پیلاپی	۰/۰۴۵	۱/۱۶۰	۱۲	۹۰۶	۰/۳۰۸
	لامبدای ویلکز	۰/۹۵۵	۱/۱۶۰	۱۲	۷۹۴/۰۱۷	۰/۳۰۸



۰/۳۰۸	۸۹۶	۱۲	۱/۱۵۹	۰/۰۴۷	اثر هوتلینگ
۰/۰۴۳	۳۰۲	۴	۲/۴۹۴	۰/۰۳۳	بزرگترین ریشه روی
سبک مادر × نوع مدرسه					
۰/۰۱۰	۹۰۶	۱۲	۲/۲۱۵	۰/۰۸۶	اثر پیلابی
۰/۰۰۹	۷۹۴/۰۱۷	۱۲	۲/۲۲۵	۰/۹۱۶	لامبدای ویلکز
۰/۰۰۹	۸۹۶	۱۲	۲/۲۲۸	۰/۰۹۰	اثر هوتلینگ
۰/۰۰۲	۳۰۲	۴	۴/۲۸۳	۰/۰۵۷	بزرگترین ریشه روی
سبک پدر × نوع مدرسه					
۰/۹۵۹	۹۰۶	۱۲	۰/۴۱۲	۰/۰۱۶	اثر پیلابی
۰/۹۶۰	۷۹۴/۰۱۷	۱۲	۰/۴۱۰	۰/۹۸۴	لامبدای ویلکز
۰/۹۶۱	۸۹۶	۱۲	۰/۴۰۸	۰/۰۱۶	اثر هوتلینگ
۰/۵۴۵	۳۰۲	۴	۰/۷۷۱	۰/۰۱۰	بزرگترین ریشه روی

در جدول ۲ خلاصه نتایج آزمون‌های چندمتغیری برای سبک‌ها و تعهد هویت گزارش شده است. با توجه به این جدول، اثر اصلی سبک پدر و سبک مادر را تنها آزمون رادیکال بزرگ‌ترین ریشه روی اعلام می‌کند. همچنین اثر متقابل نوع مدرسه با سبک مادر نیز وجود دارد. همچنین، بر پایه آزمون روی، دو اثر متقابل دیگر یعنی اثرات متقابل جنس با سبک پدر و مادر معنادار است. برای آگاهی بیشتر از ماهیت معناداری‌های چند متغیری باید از آزمون‌های تک متغیری کمک گرفت. این آزمون‌های تک متغیری برای اثرات معنادار چندمتغیری در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: خلاصه آزمون‌های تک متغیری برای سبک‌ها و تعهد هویت

منبع تغییرات	متغیر وابسته	SS	df	MS	F	سطح معناداری
سبک مادر						
	هویت اطلاعاتی	۲۰۸/۱۴۲	۳	۶۹/۳۸۱	۱/۸۱۴	۰/۱۴۵
	هویت هنجاری	۲۳۲/۱۹۲	۳	۷۷/۳۹۷	۳/۱۷۲	۰/۰۲۵
	هویت سردرگم	۱۲۷/۵۵۶	۳	۴۲/۵۱۹	۱/۰۲۸	۰/۳۸۱
	تعهد هویت	۱۶۸/۷۰۶	۳	۵۶/۲۳۵	۱/۸۱۴	۰/۱۴۵
سبک پدر						
	هویت اطلاعاتی	۹۸/۶۷۸	۳	۳۲/۸۹۳	۰/۸۶۰	۰/۴۶۲
	هویت هنجاری	۲۱۹/۷۷۴	۳	۷۳/۲۵۸	۳/۰۰۳	۰/۰۳۱
	هویت سردرگم	۶۲/۲۰۲	۳	۲۰/۷۳۴	۰/۵۰۱	۰/۶۸۲
	تعهد هویت	۴۳۵/۲۲۹	۳	۱۴۵/۰۷۶	۴/۶۸۱	۰/۰۰۳
سبک مادر × جنس						
	هویت اطلاعاتی	۳۵۴/۶۴۳	۳	۱۱۸/۲۱۴	۳/۰۹۱	۰/۰۲۷
	هویت هنجاری	۲۶/۵۵۲	۳	۸/۸۵۱	۰/۳۶۳	۰/۷۸۰
	هویت سردرگم	۱۰۴/۹۴۶	۳	۳۴/۹۸۲	۰/۸۴۶	۰/۴۷۰
	تعهد هویت	۴/۹۰۹	۳	۱/۶۳۶	۰/۰۵۳	۰/۹۸۴
سبک پدر × جنس						
	هویت اطلاعاتی	۲۳۰/۹۱۰	۳	۷۶/۹۷۰	۲/۰۱۳	۰/۱۱۲



۰/۸۶۹	۰/۲۳۹	۵/۸۳۵	۳	۱۷/۵۰۶	هویت هنجاری
۰/۷۵۸	۰/۳۹۳	۱۶/۲۶۹	۳	۴۸/۸۰۷	هویت سردرگم
۰/۵۷۹	۰/۶۵۶	۲۰/۳۴۶	۳	۶۱/۰۳۸	تعهد هویت
سبک مادر × نوع مدرسه					
۰/۰۴۰	۲/۸۰۰	۱۰۷/۰۸۲	۳	۳۲۱/۲۴۶	هویت اطلاعاتی
۰/۹۳۹	۰/۱۳۵	۳/۲۸۵	۳	۹/۸۵۶	هویت هنجاری
۰/۰۲۱	۳/۲۸۸	۱۳۶/۰۲۰	۳	۴۰۸/۰۵۹	هویت سردرگم
۰/۰۹۰	۲/۱۸۷	۶۷/۷۷۰	۳	۲۰۳/۳۰۹	تعهد هویت
خطا					
		۳۸/۲۴۱	۳۰۳	۱۱۵۸۶/۹۸۵	هویت اطلاعاتی
		۲۴/۳۹۷	۳۰۳	۷۳۹۲/۳۸۲	هویت هنجاری
		۴۱/۳۶۶	۳۰۳	۱۲۵۳۳/۹۴۴	هویت سردرگم
		۳۰/۹۹۳	۳۰۳	۹۳۹۰/۹۵۰	تعهد هویت

مطابق با جدول ۳ اثر اصلی سبک مادر روی هویت هنجاری معنادار است. برای دانستن این که بین کدام سبک‌های فرزندپروری مادر در هویت هنجاری تفاوت وجود دارد، از آزمون پیگیری شفه استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: خلاصه آزمون پیگیری شفه برای اثر سبک مادر بر هویت هنجاری

گروه‌های مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
محدودکننده مهربان / عاطفه بدون کنترل	۲/۹۵	۰/۸۷۱	۰/۰۱۰
محدودکننده مهربان / مطلوب	-۱/۴۹	۰/۸۸۱	۰/۴۱۵
محدودکننده مهربان / مسامحه کارانه	۰/۱۶	۰/۹۳۲	۰/۹۹۹
عاطفه بدون کنترل / مطلوب	-۴/۴۴	۰/۶۸۹	۰/۰۰۱
عاطفه بدون کنترل / مسامحه کارانه	-۲/۷۹	۰/۷۵۳	۰/۰۰۴
مطلوب / مسامحه کارانه	۱/۶۵	۰/۷۶۵	۰/۲۰۰

با توجه به جدول ۴ می‌توان اظهار کرد که تفاوت سبک عاطفه بدون کنترل با سبک‌های محدودکننده مهربان، مطلوب و مسامحه کارانه معنادار و سایر تفاوت‌ها غیرمعنادار است.

همچنین با توجه به جدول ۳، اثر اصلی سبک فرزندپروری پدر برای هویت هنجاری و تعهد هویت معنادار است. برای پیگیری اینکه بین کدام سبک‌های پدر در هویت هنجاری و تعهد تفاوت وجود دارد، از آزمون پیگیری شفه استفاده شد که خلاصه نتایج آن برای هویت هنجاری در جدول ۵ و برای تعهد هویت در جدول ۶ ارائه شده است.



جدول ۵: خلاصه آزمون پیگیری شفه برای اثر سبک پدر بر هویت هنجاری

گروه‌های مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
محدودکننده مهربان / عاطفه بدون کنترل	۳/۳۳	۰/۸۷	۰/۰۰۲
محدودکننده مهربان / مطلوب	-۱/۲۹	۰/۸۳۵	۰/۴۹۶
محدودکننده مهربان / مسامحه کارانه	۰/۴۲	۰/۸۹۱	۰/۹۷۵
عاطفه بدون کنترل / مطلوب	-۴/۶۳	۰/۷۰۳	۰/۰۰۱
عاطفه بدون کنترل / مسامحه کارانه	-۲/۹۲	۰/۷۶۹	۰/۰۰۳
مطلوب / مسامحه کارانه	۱/۷۱	۰/۷۵۶	۰/۱۶۶

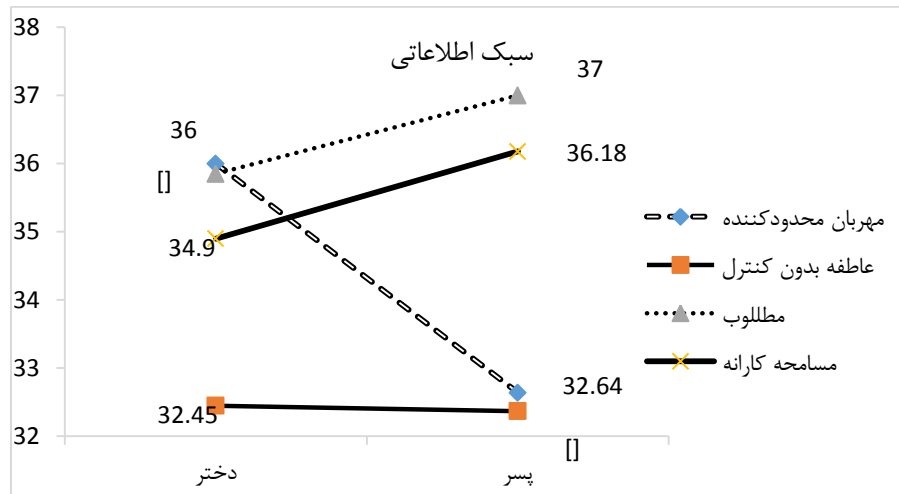
طبق جدول ۵ مشابه با جدول قبلی در مورد اثر سبک مادر روی هویت هنجاری، در مورد سبک پدر نیز همان الگو وجود دارد. تفاوت سبک عاطفه بدون کنترل با سبک‌های محدودکننده مهربان، مطلوب و مسامحه‌کارانه معنادار است و سایر تفاوت‌ها غیرمعنادار.

جدول ۶: خلاصه آزمون پیگیری شفه برای اثر سبک پدر بر تعهد هویت

گروه‌های مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
محدودکننده مهربان / عاطفه بدون کنترل	۳/۴۳	۰/۹۵۴	۰/۰۰۵
محدودکننده مهربان / مطلوب	-۱/۴۴	۰/۹۴۱	۰/۵۰۶
محدودکننده مهربان / مسامحه کارانه	۱/۱۵	۱/۰۰۵	۰/۷۲۷
عاطفه بدون کنترل / مطلوب	-۴/۸۷	۰/۷۹۲	۰/۰۰۱
عاطفه بدون کنترل / مسامحه کارانه	-۲/۲۸	۰/۸۶۶	۰/۰۷۷
مطلوب / مسامحه کارانه	۲/۵۹	۰/۸۵۲	۰/۰۲۸

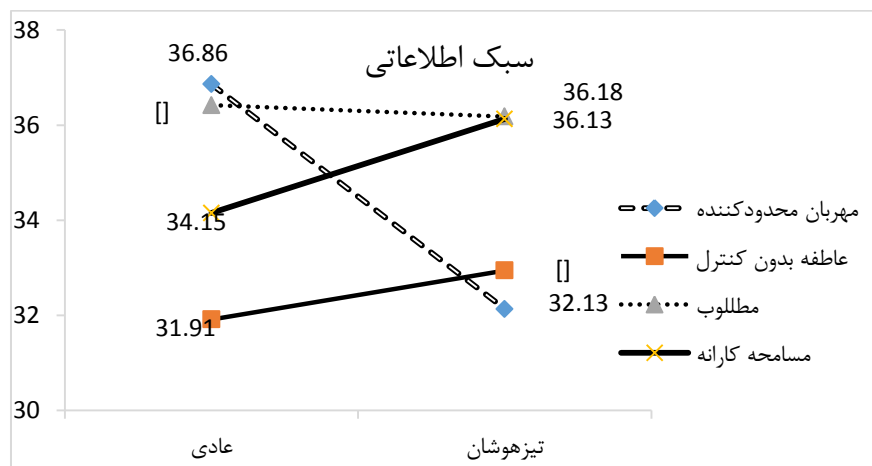
با توجه به جدول ۶ نیز می‌توان گفت که تفاوت سبک عاطفه بدون کنترل با سبک‌های مطلوب و محدودکننده مهربان و نیز تفاوت سبک مطلوب با سبک مسامحه‌کارانه معنادار است.

به طور کلی تاکنون از آزمون‌های چندمتغیری و تک متغیری نتایج زیر حاصل شده است: رابطه معنادار سبک پدر و سبک مادر با هویت هنجاری و رابطه معنادار سبک پدر با تعهد هویت؛ همچنین با توجه به جدول ۳ اثر متقابل جنس با سبک پدر در هیچ یک از متغیرها معنادار نیست؛ بنابراین نمی‌توان جنس را دارای نقش تعدیل‌کننده در رابطه سبک پدر با هویت و تعهد هویت دانست. اما اثر متقابل جنس با سبک مادر برای سبک اطلاعاتی معنادار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به جنس، بین سبک اطلاعاتی با سبک مادر رابطه وجود دارد. برای فهم بهتر این تعامل از نمودار ۱، که اثرات متقابل را نشان می‌دهد، استفاده می‌شود.



نمودار ۱: نمودار اثر متقابل سبک فرزندپروری مادر و جنس برای هویت اطلاعاتی

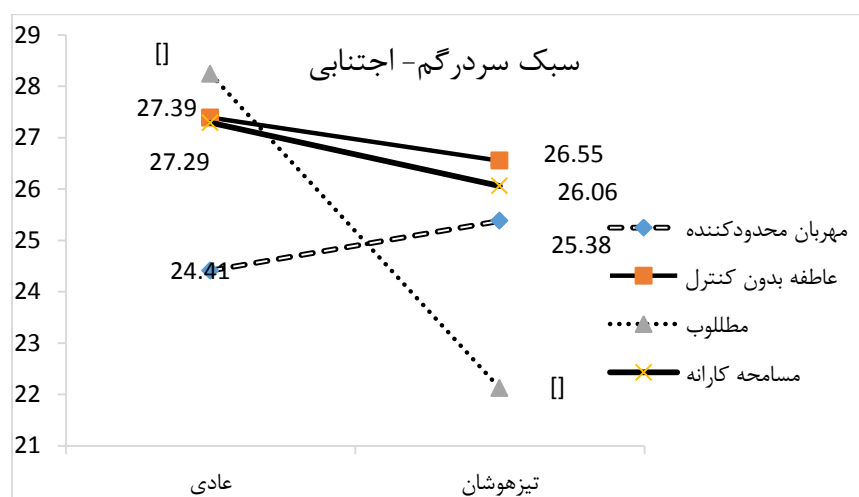
همانطور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، اثر متقابل عمدتاً مربوط به سبک مهربان محدودکننده است: اگر سبک والدینی مادر مهربان محدودکننده باشد، در پسرها حداقل میزان سبک اطلاعاتی و در دخترها حداکثر میزان سبک اطلاعاتی را در پی دارد؛ بنابراین و با توجه به عدم معناداری اثر اصلی سبک مادر برای هویت اطلاعاتی، می‌توان نقش تعدیل‌گری کامل جنس را در رابطه سبک مادر و هویت اطلاعاتی نتیجه گرفت. بر اساس جدول ۳ دو اثر متقابل معنادار دیگر نیز وجود دارد: اثر متقابل نوع مدرسه با سبک مادر برای هویت اطلاعاتی و هویت سردرگم-اجتنابی. برای فهم بهتر این اثر نیز از نمودارهای اثرات متقابل ۲ و ۳ استفاده می‌شود. مطابق با نمودار ۳ معناداری اثر متقابل در هویت اطلاعاتی مربوط به سبک مهربان محدودکننده است؛ به نحوی که اثر این سبک بر هویت اطلاعاتی بستگی به نوع مدرسه (و احتمالاً سطح هوشی فرد) دارد: سبک فرزندپروری مادر مهربان محدودکننده حداکثر میانگین را در سبک هویت اطلاعاتی دانش آموزان مدارس عادی و حداقل میانگین سبک اطلاعاتی را برای دانش آموزان مدارس تیزهوشان ایجاد می‌کند. با توجه به عدم معناداری اثرات اصلی نوع مدرسه و سبک مادر برای هویت اطلاعاتی و معناداری اثر متقابل آن می‌توان نوع مدرسه را در اثر سبک مادر بر سبک هویت اطلاعاتی دارای نقش تعدیل‌کننده دانست.



نمودار ۲: نمودار اثر متقابل سبک فرزندپروری مادر و نوع مدرسه برای هویت اطلاعاتی



همچنین مطابق با نمودار ۳، معناداری اثر متقابل در هویت سردرگم-اجتنابی مربوط به سبک مطلوب مادر است. به نحوی که اثر این سبک بر هویت سردرگم-اجتنابی بستگی به نوع مدرسه (و احتمالاً سطح هوشی فرد) دارد: سبک فرزندپروری مادر مطلوب حداکثر میانگین را در سبک هویت سردرگم-اجتنابی دانش آموزان مدارس عادی و حداقل میانگین سبک سردرگم-اجتنابی را برای دانش آموزان مدارس تیزهوشان ایجاد می کند. با توجه به عدم معناداری اثرات اصلی نوع مدرسه و سبک مادر برای هویت سردرگم-اجتنابی و معناداری اثر متقابل آن می توان نوع مدرسه را در اثر سبک مادر بر سبک هویت اطلاعاتی دارای نقش تعدیل کننده دانست.



نمودار ۳: نمودار اثر متقابل سبک فرزندپروری مادر و نوع مدرسه برای هویت سردرگم-اجتنابی

بحث

نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری عاملی به طور کلی نشان داد که بر پایه سبک فرزندپروری پدر و مادر، در هویت و تعهد هویتی نوجوانان تفاوت معناداری وجود دارد؛ در خصوص نقش تعدیل کنندگی جنس و نوع مدرسه (یا به عبارتی هوش دانش آموزان) نیز نتایج نشان داد که اثر متقابل جنس و نوع مدرسه با سبک فرزندپروری پدر در هیچ یک از متغیرها معنادار نیست؛ در حالی که اثر متقابل جنس با سبک فرزندپروری مادر برای سبک هویت اطلاعاتی و همچنین اثر متقابل نوع مدرسه با سبک فرزندپروری مادر برای هویت اطلاعاتی و هویت سردرگم-اجتنابی معنادار است.

نظریات زیادی رابطه مثبت فرزندپروری والدین با سبک های هویت نوجوانان را تأیید کرده اند. در این پژوهش نیز این رابطه تأیید شد؛ اما در خصوص علت احتمالی اینکه بر پایه سبک فرزندپروری مادر فقط در هویت هنجاری و بر پایه سبک فرزندپروری پدر فقط در تعهد و هویت هنجاری نوجوانان تفاوت ایجاد می شود، همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، افرادی که راهبرد هویتی هنجاری را در پیش می گیرند، دارای هویت زودرس و بدون تلاش هستند که غالباً مشابه با افراد مهم در زندگی آن ها یا منابع قدرت می باشد و چون پدر و مادر نزدیک ترین افراد به فرزند خود هستند، بیشترین تأثیر را در این نوع هویت (سبک هویت هنجاری) خواهند گذاشت. معنادارترین تأثیر در تعهد هویتی نوجوانان نیز فقط برای پدران گزارش شده است، که می توان گفت شاید به موضوع میزان بالاتر «پدر سالاری» در فرهنگ های سنتی مثل فرهنگ ایرانی برگردد. اما یکی از نکات بارز در این فرضیه،



وجود اثر متقابل جنس و نوع مدرسه، یا به عبارتی هوش نوجوانان، فقط در رابطه سبک فرزندپروری مادر با هویت نوجوانان است، که در وهله اول نقش تأثیرگذار و متفاوت مادر را برای نوجوانان تیزهوش یا عادی و دختر یا پسر آشکار می‌سازد و از سوی دیگر به اهمیت انتخاب نوع و شیوه فرزندپروری، بر اساس جنسیت و هوش فرزندان، برای رسیدن به پیامدهای متفاوت هویتی و نیز سطح انتظارات واقع‌بینانه از نوجوانان اشاره دارد. داده‌ها تأیید می‌کنند که اگر سبک فرزندپروری مادر از نوع مهربان محدودکننده (توجه بالا و کنترل بالا) باشد بیش‌ترین میزان سبک هویت اطلاعاتی در دختران و نوجوانان دارای هوش عادی و کم‌ترین میزان آن را در پسران و نوجوانان تیزهوش به وجود می‌آورد و کنترل صرفاً می‌تواند برای دختران و نوجوانان عادی در این رابطه مفید واقع شود؛ از سوی دیگر، اگر مادر از سبک فرزندپروری مطلوب (توجه بالا و کنترل کم) استفاده کند، حداکثر میانگین هویت سردرگم-اجتنابی را در نوجوانان عادی و حداقل آن را در نوجوانان تیزهوش ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه پیشینه پژوهشی حمایت‌کننده‌ای در این زمینه وجود ندارد، نمی‌توان اظهار نظر خاصی در این رابطه داشت؛ با این حال مهم‌ترین نکته‌ای که به نظر می‌رسد، این است که در رابطه با دسته‌بندی‌های مختلفی که از فرزندپروری وجود دارد، باید تجدیدنظر کرد و شاید ترکیبی خاص از این شیوه‌ها برای نوجوان تیزهوش، عادی، دختر یا پسر کاربرد داشته باشد که نیازمند تحقیقات جامع‌تر و نظرات کارشناسانه در این زمینه است. نتایج پژوهش (پورابراهیم، حیدری و خوش‌کنش، ۱۳۹۱) که نشان داد شیوه فرزندپروری مقتدرانه به طور معناداری می‌تواند سبک هویت اطلاعاتی نوجوانان را پیش‌بینی کند و شیوه فرزندپروری مستبدانه به طور معناداری پیش‌بینی‌کننده سبک هویت سردرگم-اجتنابی در نوجوانان می‌باشد، و همچنین نتایج پژوهش (سندی، صالحی، کافی و رضایی، ۱۳۹۱)، که نشان داد بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویتی رابطه معنی‌داری وجود دارد و دانش‌آموزانی که تحت شیوه فرزندپروری قاطعانه پرورش یافته‌اند اغلب دارای سبک‌های هویت اطلاعاتی یا هنجاری هستند، در حالی که دانش‌آموزان تحت شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی می‌باشند، و نیز نتایج پژوهش (باباپور، اسماعیلی انامق، غلام‌زاده و محمدپور، ۱۳۹۱)، که نشان داد شیوه‌های فرزندپروری والدین پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای سبک‌های هویت و تعهد هویتی هستند و فرزندان نوجوان والدینی که شیوه فرزندپروری مقتدرانه دارند، بیش‌تر دارای تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی و هنجاری هستند، در حالی که فرزندان نوجوان والدینی که شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند، بیش‌تر از سبک هویتی سردرگم-اجتنابی برخوردارند، همسو با نتایج پژوهش حاضر و نتایج پژوهش (آویلا^۱ و همکاران، ۲۰۱۲) که نشان داد والدگری تأثیر مستقیمی بر هویت ندارد، ناهمسو با نتایج پژوهش حاضر می‌باشند. این یافته‌ها، بیانگر نقش محوری والدین در دستیابی نوجوان به هویت موفق و اجتناب آن‌ها از سردرگمی هویت می‌باشد؛ در نتیجه این تحقیقات است که والدین، به ویژه مادر، نسبت به تأثیر رفتارها و برخوردشان بر شکل‌گیری هویت فرزندانشان آگاه شده و از این طریق به ایجاد بستر مناسب برای رشد هویت مناسب نوجوانان کمک می‌نمایند.

در اجرای این پژوهش، محدودیت‌هایی نیز وجود داشت که عبارتند از: ۱) تعداد مدارس تیزهوشان، که دارای دانش‌آموز در مقطع پیش‌دانشگاهی باشد، در استان قم بسیار کم (فقط دو مدرسه) و تنها در یک ناحیه بود (ناحیه ۴ استان قم) و همین مسئله سبب شد که جامعه پژوهش کوچک شود؛ چرا که اگر قرار بود این دو مدرسه با مدارس عادی نواحی دیگر مقایسه گردد، عوامل اقتصادی-اجتماعی نیز بر روند پژوهش و متغیرها تأثیرگذار و خارج از کنترل بود؛ لذا، جامعه پژوهش، کلیه دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی ناحیه ۴ استان قم در نظر گرفته شدند؛ ۲) با توجه به زمان محدود برای اجرای پرسشنامه‌ها، امکان اجرای آزمون‌های هوشی معتبر برای جداسازی دانش‌آموزان تیزهوش از عادی وجود نداشت؛ لذا، ملاک تمایز این گروه از دانش‌آموزان، تحصیل در مدارس خاص تیزهوشان در نظر گرفته شد. در آخر نیز، پیشنهاد می‌گردد که متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر در میان



نوجوانان جوامع روستایی و شهری، طبقات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و یا نوجوانان استان‌های مختلف مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند و همچنین تأثیر متقابل متغیرهای تعدیل‌کننده یا واسطه‌ای دیگری در این روابط بررسی شود.

منابع

- باباپور، خیرالدین؛ اسماعیلی انامق، بهمن؛ غلام زاده، مجتبی؛ محمدپور، وهاب (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه های فرزندپروری و سبک های هویتی نوجوانان. *روانشناسی*، ۶۲: ۱۷۵-۱۶۱.
- بهزادی، بهناز؛ سروقد، سیروس؛ سامانی، سیامک (۱۳۹۰). تحلیل عامل تأییدی بر نسخه فارسی مقیاس پیوند والدینی پارکر. *روش ها و مدل های روان شناختی*، ۲ (۶): ۹۸-۸۱.
- پورابراهیم، تقی؛ حیدری، جعفر؛ خوش کنش، ابوالقاسم (۱۳۹۰). رابطه شیوه های فرزندپروری با سبک های هویت یابی و گرایش به مشاغل در نوجوانان. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۸: ۲۴-۱۱.
- خواجه پور، مهناز؛ عطار، حمید (۱۳۸۶). مقایسه شیوه های فرزندپروری با سبک های هویت و بررسی آن ها در دانش آموزان دختر و پسر پیش دانشگاهی. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۲۹: ۱۹۷-۱۷۹.
- سرمد، زهره (۱۳۷۸). متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای: تمایزات مفهومی و راهبردی. *پژوهش‌های روان شناختی*، ۵ (۳ و ۴): ۸۱-۶۳.
- سندی، فاطمه؛ صالحی، ایرج؛ کافی، موسی؛ رضایی، سجاد (۱۳۹۱). رابطه شیوه های فرزندپروری ادراک شده و سبک های هویت با حرمت خود در دانش آموزان دختر دبیرستانی. *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، ۴: ۵۶-۴۱.
- شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۲). *نظریه های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- صادقی، راضیه (۱۳۹۲). اثر طرد و پذیرش مادر بر سبک های هویت با میانجی گری ویژگی های شخصیتی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- فرهنگ توصیفی انجمن روان شناسی امریکا: *APA* جلد ۱ و ۲ (۱۳۹۱). ترجمه ۴۲ عضو هیئت های علمی دانشگاه های کشور. تهران: ارس.

منابع لاتین

- Avila, Marisa; Cabral, Joana; Matos, Paula Mena (2012). Identity in university students: The role of parental and romantic Attachment. *Journal of Adolescence*, 35: 133-142.
- Baumrind, Diana (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 1 (11): 56-95.
- Berzonsky, M.D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4: 268-282.
- Beyers, Wim; Goossens, Luc (2008). Dynamics of perceived parenting and identity formation in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 31: 165-184.



- Kroger, Jane; Martinussen, Monica; Marcia, James E. (2010). Identity status change during adolescence and young adulthood: A meta-analysis. *Journal of Adolescence*, 33: 683–698.
- Parker, Gordon; Tupling, Hillary; Brown, L. B. (1979). A parental bonding instrument. *British Journal of Medical Psychology*, 52 (1): 1-10.
- Pellerone, Monica; Spinelloa, Carla; Sidoti, Alessia; Micciche, Sandra (2015). Identity, perception of parent-adolescent relation and adjustment in a group of university students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 190: 459 – 464.